

## تنش میان دولت پاکستان و طالبان؛ سایه ترس بر چهره امارت

هفته گذشته، مولانا فضل‌الرحمان رهبر جماعت علمای پاکستان، در سفر به کابل، پیام دولت این کشور را به امیرالمؤمنین و سایر رهبران طالبان رساند. پیامی که قبلاً نیز به گونه هشدار از سوی انورالحق کاکر، نخست وزیر موقت پاکستان به طالبان داده شده بود: «میان دولت پاکستان و طالبان (تی‌تی‌پی) یک را انتخاب کنید.»

ارتش پاکستان به دلیل گسترش ناامنی‌ها در پی حملات مکرر (تی‌تی‌پی) به مراکز اردو و پولیس این کشور از زمان قدرت‌گیری دوباره طالبان در افغانستان، روی این خواست پافشاری دارند و تا هنوز از آن کوتاه نیامده است. پس از بازگشت مولانا فضل‌الرحمان از کابل به اسلام‌آباد به نظر می‌رسد او نیز از پیدا کردن راه‌حل برای کاهش تنش میان ارتش پاکستان و امارت طالبان، عاجز مانده و حرف‌های مولوی هبت‌الله و سایر رهبران طالبان قناعت و رضایت اسلام‌آباد را برآورده نکرده است. در آخرین اقدام، دولت پاکستان بندر تورخم و چهار بندر دیگر را به روی موترهای باربری بسته است. سه ماه قبل از این در اواخر خزان امسال دولت پاکستان اعلان کرد که ۱.۷ میلیون مهاجر غیرقانونی را از این کشور اخراج می‌کند. از اول نوامبر تا کنون دولت پاکستان بیش از نیم میلیون مهاجر افغانستانی را به جبر از این کشور اخراج نموده است.

از زمان پایان حکومت عمران خان و روی کار آمدن حکومت ائتلافی حزب مسلم لیگ و حزب مردم پاکستان، فشار بر طالبان بیشتر گردیده و با روی کار آمدن حکومت موقت در سه ماه گذشته، شدت گرفته است. در مجموع روابط ارتش و دولت پاکستان با امارت طالبان در یک سال گذشته دچار تنش‌های جدی شده است. موضوع طالبان پاکستان در محراق این تنش قرار دارد هرچند مسایل مهاجرین، درگیری مرزی، خط دیورند، مسایل گمرکی و روابط طالبان با هند نیز بر این تنش بی‌تاثیر نبوده است.

### ارتش پاکستان، طالبان و بازبینی سیاست گذشته

تا ماه اگست، یک سال پس از تسلط طالبان، حملات بر ارتش و پولیس پاکستان ۵۱ درصد افزایش یافته است که بیش از ۷۵ درصد از آن‌ها در خیبر پختونخوا رخ داده است. به اساس آمار پولیس این ایالت، در طول این سال ۱۰۵ افسر در ۱۵۱ حادثه جداگانه کشته شده‌اند.<sup>۱</sup>

به تاریخ ۳۰ ماه جنوری ۲۰۲۳ میلادی، طالبان پاکستان، به مقر پولیس پشاور حمله کرد که در اثر آن بیش از ۱۸۰ نفر کشته شدند که اکثراً افسران پولیس بودند. این مرگبارترین حمله به مقر پولیس پاکستان بود که بعد از قدرت‌گیری دوباره طالبان در افغانستان انجام شده بود. بیست روز بعد از این حادثه، حمله دیگری به مقر پولیس کراچی -مرکز اقتصاد پاکستان- انجام شد که تعداد زیاد افسران پولیس در اثر آن کشته شدند. حمله مرگبار طالبان به مراکز پولیس در شهرهای پشاور و کراچی، ارتش پاکستان را وادار کرد تا در قبال (تی‌تی‌پی) و یاران ایدیولوژیک‌شان که تازه در افغانستان به قدرت رسیده بودند، جدی و عملی اقدام کند. به دنبال این حمله، به تاریخ ۲۲ فبروری، خواجه محمدآصف، وزیر دفاع پاکستان و ژنرال ندیم انجم، رئیس سازمان اطلاعات پاکستان (آی‌اس‌آی) به کابل رفتند و فهرستی از فرماندهان و مراکز تحریک طالبان پاکستان (تی‌تی‌پی) را با مقامات طالبان در کابل شریک کردند. خواست ارتش و دولت پاکستان از طالبان افغانستان این بود که علیه طالبان پاکستان اقدام جدی کنند، جلو حملات آن‌ها را بر مواضع ارتش و پولیس پاکستان بگیرند و رهبران آن‌ها را به پاکستان تحویل دهند. در یک اقدام تلافی جویانه دیگر، ارتش پاکستان بر مواضع طالبان در ایالات خیبرپختونخوا و بلوچستان حمله کردند و تعدادی از نیروهای طالبان را کشتند.

بعد از آن ارتش پاکستان، در بیانیه‌ای اعلام کرد که افغانستان به عنوان پناهگاه تحریک طالبان و سایر تروریست‌ها زمینه آزادی عمل و دسترسی به سلاح‌های جدید را به آن‌ها فراهم کرده است که بر امنیت پاکستان اثر گذاشته است و این کار از سوی ارتش پاکستان تحمل نخواهد شد. ارتش پاکستان ادعا کرد که مراکز رهبری (تی‌تی‌پی) و بالاتر از ۶۰۰۰ عضو این گروه در افغانستان قرار دارد که بعد از خروج نیروهای آمریکایی و سرنگونی رژیم قبلی افغانستان، (تی‌تی‌پی) پشت جبهه و حمایت به دست آورده و بر حملات‌شان را از خاک افغانستان بر ارتش پاکستان افزوده‌اند.<sup>۲</sup>

شهباز شریف، نخست وزیر قبلی پاکستان، امارت طالبان را غیرمشروع خواند و در زمان حکومت او دولت پاکستان لابیگری برای به رسمیت‌شناسی حکومت طالبان در سطح بین‌المللی را متوقف کرد. ارتش این کشور مراکز نظامی طالبان پاکستان را در ولایت‌های کنر و ننگرهار هدف قرار داد و به سیم‌کشی در نوار مرزی شدت داد. همچنان سخت‌گیری بر ورود مهاجرین افغانستانی - فاقد اسناد- به خاک پاکستان را بیشتر کردند و حتی رسانه‌های هر دو طرف، برخلاف دوره اول امارت طالبان این بار وارد تبلیغات و جنگ رسانه‌ای شدند.

با شروع فصل زمستان در اول نوامبر و اخراج هزاران مهاجر از پاکستان، تنش و تهدیدها از سوی دو طرف بالا گرفت. نخست وزیر مؤقت پاکستان در نشستی به طالبان هشدار داد که امارت طالبان از میان دولت و طالبان پاکستان یکی را انتخاب کنند. دولت مؤقت پاکستان اخراج ۱.۷ میلیون مهاجر فاقد اسناد را از پاکستان آغاز کرد. در سرمای سرد زمستان بیش از نیم میلیون مهاجر با زور از پاکستان اخراج شدند. بسیاری از این مهاجران اموال و دارایی‌های‌شان را نتوانستند با خود به افغانستان انتقال بدهند. طالبان در کندهار تحت رهبری مولوی هبت‌الله، نشست اضطراری کابینه را دایر کردند. مولوی هبت‌الله به مقامات پاکستان هشدار داد که فشار پاکستان مانند فشار و تهدید آمریکا در بیست سال قبل، بر ما اثر نخواهد داشت و ما همان‌طور که اسامه بن لادن را به آمریکا تسلیم نکردیم، به مجاهدین اسلامی و برادران ما در پاکستان نیز خیانت نمی‌کنیم. قبل از آن نیز رهبر طالبان، قانون اساسی پاکستان را غیراسلامی خوانده بود. ملا یعقوب، وزیر دفاع طالبان، رهبران پاکستان را بی‌کفایت گفت که از مدیریت کشورشان عاجزاند.

علاوه بر بر فشارهای مستقیم که ارتش و دولت پاکستان بر طالبان وارد کرده است، توافق دوجانبه ماه دسامبر ۲۰۲۳، میان سید عاصم منیر، رییس ارتش پاکستان و لوید آستین، وزیر دفاع آمریکا و کسب حمایت امپریالیزم آمریکا، فشار بیشتری بر طالبان وارد کرده است.

### طالبان بر سر دوراهی انتخاب همکاری با دولت و یا طالبان پاکستان (تی‌تی‌پی)

در هفته‌های اخیر به نظر می‌رسد از شعارها و بیانات تند رهبران طالبان علیه پاکستان کاسته شده است و این گروه در تلاش است تا از یک طرف خشم ارتش و دولت پاکستان را کاهش دهد و از طرف دیگر، تحریک طالبان پاکستان را از خود ناراضی و دور نسازد. دعوت مولانا فضل‌الرحمان به کابل، بخشی از تقلا برای مهار تنش است. رهبران طالبان به شمول امیر این گروه از طالبان پاکستان خواسته است که خشونت را کاهش دهند؛ امری که تا هنوز قناعت و رضایت ارتش و دولت پاکستان را حاصل نکرده است.

حالا سوال این است که چرا طالبان نمی‌توانند خواست دولت پاکستان را عمل کنند؟ واقعیت امر این است که امارت طالبان می‌خواهد در شرایطی که اوضاع داخلی بحرانی است و از سوی جهان نیز به انزوا رانده شده است، توازن رابطه میان ارتش و طالبان پاکستان را حفظ کند. در ده سال گذشته به نحوی هم دولت پاکستان و هم (تی‌تی‌پی) به طالبان در افغانستان کمک رسانده است. در شرایط کنونی طالبان نمی‌توانند میان ارتش پاکستان و (تی‌تی‌پی) یکی را انتخاب کنند. اگر طالبان به خواست ارتش پاکستان

گوش بسپارند و به دوستان ایدیولوژیک‌شان در پاکستان خیانت کنند، عواقب سیاسی زینبار برای‌شان به همراه خواهد داشت. همین اکنون نیز امارت طالبان از سوی بسیاری از گروه‌های افراطی اسلامی هم‌کیش‌شان به گرایش‌های ناسیونالیستی متهم است. خیانت به طالبان پاکستان، اعتماد این گروه و سایر گروه‌های اسلامی را از امارت طالبان سلب خواهد کرد که این کار آن‌ها را از طالبان دور کرده و به طرف داعش متمایل خواهد کرد. تحریک طالبان پاکستان در بیست سال جنگ در کنار طالبان افغانستانی علیه نیروهای آمریکا و رژیم دست‌نشانده و در قدرت‌گیری دوباره‌شان سهم گرفتند. اکنون طالبان پاکستان چنین انتظاری از امارت طالبان دارد تا آن‌ها را در پاکستان حمایت کنند.

از سوی دیگر سربازان و رهبران طالبان که در بیست سال گذشته، گویا افتخار جنگ با اشغالگران خارجی را داشتند و آن‌ها را از کشور بیرون کردند، اکنون با اتهام وابستگی و نوکری به پاکستان سخت حساسیت دارند. بسیاری از حرف‌های تند رهبران طالبان نمایش مذبحخانه‌ای است که این گروه می‌خواهد برچسب وابستگی به پاکستان را از چهره‌شان پاک کنند. از همه مهم‌تر اینکه طالبان پاکستان - به ادعای ارتش این کشور - بیش از ۶۰۰۰ نیرو در داخل افغانستان دارند. خلاصه اینکه موضوع طالبان پاکستان برای امارت طالبان در افغانستان اصلاً یک امر داخلی است، بنا بر این اکنون (تی‌تی‌پی) به بزرگ‌ترین معضل طالبان تبدیل شده است. رابطه طالبان افغانستان و پاکستان متفاوت‌تر از رابطه طالبان با سایر گروه‌های افراطی منطقه است که با طالبان در مدت بیست سال گذشته همکاری داشته و اکنون نیز همکاری دارند. طالبان پاکستان جدا از اینکه در بیست سال گذشته از طالبان افغانستان میزبانی کردند، در میدان جنگ افغانستان علیه نیروهای نظامی آمریکا و متحدانش و رژیم کابل جنگیدند. برعلاوه، مفتی نور ولی محسود، رهبر تحریک طالبان پاکستان، به مولوی هبت‌الله بیعت کرده است و از همه مهم‌تر اینکه طالبان دو طرف خط دیورند عمدتاً به لحاظ قومی، زبانی، جغرافیایی و فرهنگی مشترکات فراوان دارند.

### دورنمای تنش میان طالبان و ارتش پاکستان

در بیست سال گذشته رابطه همزمان طالبان با ارتش پاکستان و (تی‌تی‌پی) به نفع این گروه بود اما حالا که طالبان قدرت را دوباره به دست گرفته‌اند، یاران ایدیولوژیک‌شان آن طرف خط دیورند به پاشنه آشیل‌شان تبدیل شده است. به هر حال اکنون هم احتمال کاهش و هم احتمال افزایش تنش میان ارتش پاکستان و امارت طالبان وجود دارد.

ماهیت ایدیولوژیک و افراطی طالبان و انعطاف‌ناپذیری این گروه، ضرورت حفظ انسجام داخلی و رهایی از حس حقارت و وابستگی به پاکستان سبب می‌شود که طالبان در مقابل خواست ارتش و دولت پاکستان کوتاه نیاید. به همین ترتیب ناامنی رو به گسترش در پاکستان، ارتش این کشور را واداشته که (تی‌تی‌پی) را سرکوب کند و حمایت پشت جبهه‌اش را قطع کند. این امر عامل اصلی تشدید و افزایش تنش میان ارتش پاکستان و امارت طالبان است. اما از طرف دیگر به دلیل اقتصاد بحرانی هر دو طرف و وضعیت نابسامان و ورشکسته هر دو کشور، توان تقابل بیشتر از این را نامحتمل کرده است. اقتصاد افغانستان زیر سلطه طالبان به مدد سازمان‌های خیریه و کمک‌های سازمان ملل و امپریالیزم آمریکا، نیم‌بند به پیش می‌رود. بسته ماندن راه‌های ترانزیتی آسیب بیشتر به اقتصاد ویران افغانستان خواهد زد. اقتصاد ورشکسته پاکستان هم در اثر مسدود شدن راه مواصلاتی با افغانستان و آسیای میانه متضرر خواهد شد. از این جهت دولت پاکستان با ابزارهای فشاری که تا کنون به کار برده است در تلاش است طالبان را به تمکین وادارد. امروز برخلاف سال‌های گذشته، امنیت پاکستان از خاک افغانستان به خطر افتاده است و امارت طالبان ابزار مداخله در امور پاکستان را از طریق حمایت از تحریک طالبان پاکستان دارد. دولت پاکستان نمی‌تواند به آسانی از رهبران مجاهدین مخالف طالبان حمایت کند زیرا در آن صورت سطح نارضایتی را در ایالت پشتونخوا و بلوچستان از دولت پاکستان بیشتر خواهد کرد و (تی‌تی‌پی) از این نارضایتی استفاده می‌کند.

## سخن آخر

تشدید تنش میان دولت پاکستان و امارت اسلامی طالبان بسیاری را غافلگیر کرد. به خصوص آنانی را که معتقد بودند پیروزی طالبان در حقیقت، پیروزی دولت و ارتش پاکستان است. حالا سوال این است که آیا ارتش پاکستان تصور نمی‌کرد که در صورت قدرت‌گیری مجدد طالبان، امنیت پاکستان بیشتر از این به خطر خواهد افتاد؟ واقعیت امر این است که طبقات حاکمه و دولت ارتجاعی پاکستان با تضادها و بحران‌های پیچیده روبه‌روست. بنا بر این برای دولت ورشکسته‌ای مانند پاکستان به سادگی مقدور نیست معضل فراراهش را حل کند و از اوضاع بحرانی خود را بیرون بکشد. آن‌ها به ناگزیر، با حل یک مشکل، مشکل دیگر را برای خود ایجاد می‌کنند.

در بیست سال گذشته، رژیم دست‌نشانده آمریکا در کابل نه تنها خط مزری دیورند را نپذیرفت بلکه روابط نزدیک با دولت هند داشت و مقامات رژیم دست‌نشانده، پاکستان را متهم به دفاع و پناه دادن به طالبان می‌کردند. این تضاد زمانی قوت گرفت که امپریالیزم آمریکا از سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ به بعد برای مهار قدرت رو به گسترش چین و تضعیف این کشور به رقیب منطقوی آن یعنی هند، نزدیک شد. به تبعیت از اربابان‌شان رژیم کابل نیز روابط با هند را توسعه دادند. پاکستان در اقدام تلافی‌جویانه، روابطش را با چین گسترش داد و برای فشار آوردن بر رژیم دست‌نشانده، محدودیت بر طالبان را کاهش داد. طالبان از این وضع به نفع‌شان استفاده کردند.

نکته دیگر اینکه طالبان این بار در صدد است از وابستگی مطلق، آن‌گونه که در دور اول امارت این گروه به پاکستان داشتند، خود را برهانند یا حداقل آن را کاهش دهند. در دور اول امارت طالبان، روابط خارجی این گروه به دست پاکستان بود و تقریباً همه کمک‌های جهانی به افغانستان از طریق پاکستان انجام می‌شد. این بار اما کشورهای منطقه به شمول ایران، چین، روسیه و کشورهای آسیای میانه — که در گذشته مخالف طالبان بودند — روابط مستقیم سیاسی و اقتصادی با طالبان دارند و نمایندگی‌های این کشورها در کابل فعال هستند. تلاش طالبان برای گسترش روابط اقتصادی با این کشورها رهایی از وابستگی به راه‌های ترانزیتی پاکستان است. همکاری پاکستان با آمریکا در سال ۲۰۰۱ در سرنگونی دوره اول امارت طالبان، یکی دیگر از عوامل بی‌اعتمادی طالبان نسبت به پاکستان است.

پاکستان در جریان جنگ سرد سیاستش را در تابعیت از منافع امپریالیزم آمریکا در منطقه هماهنگ کرده بود. بعد از تجاوز شوروی به افغانستان، پاکستان به پایگاه سوق اداره و آموزش جهادیون اسلامی خاورمیانه و سایر کشورهای اسلامی تبدیل شده بود. مدارس پاکستانی با حمایت مالی و اقتصادی آمریکا و عربستان سعودی یکی دیگر از کانون‌های تربیه بینادگرایی اسلامی بودند. حمایت از مجاهدین و بعد از آن طالبان، بخشی از این پروژه آمریکا، عربستان و پاکستان بودند. ناگفته نماند ارتش و سازمان اطلاعاتی پاکستان (آی‌اس‌آی) علاوه بر افغانستان از نیروهای اسلامی در جنگ کشمیر بر ضد دولت هند نیز استفاده می‌کرد.

با پایان جنگ سرد و سقوط سوسیال امپریالیزم شوروی و قدرت‌گیری اسلام افراطی ابتدا در ایران و بعد افغانستان، دیگر بنیادگرایی اسلامی با منافع آمریکا و متحدانش در تضاد قرار گرفت. امپریالیزم آمریکا تقریباً برای بیشتر از یک دهه در اوایل قرن بیستویک، بنیادگرایی اسلامی را زیر نام تروریزم آماج حمله قرار داد. سرنگونی طالبان و سرکوب القاعد بخش از سیاست آمریکا علیه بنیادگرایی اسلامی بود. کشورهایمانند عربستان و پاکستان در دو دهه گذشته از گروه‌های افراط‌گرای اسلامی حمایت کرده بودند اما اکنون این گروه‌ها از جمله القاعده، داعش و (تی‌تی‌پی) به خطر و تهدید برای امنیت داخلی خودشان تبدیل شده‌اند؛ گویا چاهی را که کنده بودند، خود در آن افتاده‌اند.

عربستان و امارات متحده عربي به عنوان دو حامی سنتی طالبان اکنون سردترین رابطه را با آنها دارند اما میانه پاکستان به عنوان حامی دیگر طالبان، اکنون از دوستی به سمت دشمنی در حرکت است. بحران امنیتی در پاکستان جدی است از این رو ارتش و سازمان اطلاعات پاکستان برخلاف ده سال قبل، دوباره روابطش را با آمریکا ترمیم می کند و برای مقابله با تهدید ستزجویان مسلح اسلامی به امپریالیزم آمریکا تکیه می کند زیرا اکنون چین روابط نزدیک با طالبان در افغانستان دارد. به نظر می رسد ارتش پاکستان از هر ابزار ممکن برای مهار (تی تی پی) استفاده خواهد کرد. زنگ خطر برای امارت سست بنیاد طالبان به صدا درآمده است. سایه ترس بر چهره طالبان نمایان است. سفر ملا شیرین، والی کندهار به پاکستان نشان از این دارد که مولوی هبت الله شخصاً وارد این بازی پرتنش شده است اما بعید به نظر می رسد که این تنش راه حل ساده داشته باشد.

۲۱ جنوری ۲۰۲۴ / ۱ جدی ۱۴۰۲

---

<sup>۱</sup> <https://www.crisisgroup.org/fa/asia/south-asia/pakistan/pakistani-taliban-test-ties-between-islamabad-and-kabul>

<sup>۲</sup> <https://www.iess.ir/fa/analysis/۳۶۲۵/>